

درس اخلاق-۵

پناهیان: «اخلاق بدون خدا» یک فریب است؛ چون هیچوقت به اوج نمی‌رسد و فراگیر نخواهد شد/ رسول خدا(ص) برای اخلاق حداقلی مبعوث نشد، بلکه برای تکمیل اوج مکارم اخلاق آمد که همان خداپرستی است

تاریخ: ۹۲/۰۴/۱۱

مکان: م فلسطین، مسجد امام صادق(ع)

موضوع: درس اخلاق

در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در این جلسه را می‌خوانید:

اخلاق اصالت دارد یا خداپرستی؟ / این قدر بر اخلاق تأکید کرده‌ایم که خداپرستی وسیله‌ای شده است برای اصلاح اخلاق!

- اخلاق اصالت دارد یا خداپرستی؟ کدام یک برای دیگری وسیله است؟ آیا اینها دو هدف هم عرض هستند یا اینکه یکی وسیله است برای رسیدن به دیگری؟ اگر کسی خداپرست بود و اخلاق نداشت بهتر است؟ یا اگر کسی اخلاق داشت ولی خداپرست نبود؟
- هدف ما از اینکه می‌خواهیم اخلاق مان خوب شود این است که رابطه ما با خدا بهتر شود. چون آدم بد اخلاق رابطه‌اش با خدا خوب نمی‌شود. به این دلیل بر اخلاق تأکید شده، که اخلاق ابزار خداپرستی است. پس اصالت با خداپرستی است نه با اخلاق. اگر چه فضائل اخلاقی حسن ذاتی دارند، ولی در برابر خداپرستی فرع می‌شود. البته اگر عقلمان برسد، خداپرستی را باید مهمترین ارزش اخلاقی تلقی کنیم؛ آنگاه اخلاق عین خداپرستی خواهد شد. ولی معمولاً اینگونه نگاه نمی‌کنند.
- امروزه معمولاً این قدر بر اخلاق تأکید می‌شود که گویی خداپرستی وسیله‌ای است برای اصلاح اخلاق و اصالت با اخلاق است؛ آنهم اخلاقی که خداپرستی اصل و اساس آن نیست. خیلی‌ها در کنار اخلاق، خداپرستی را فرع و وسیله تلقی می‌کنند.

برخی می‌گویند: چه اشکالی دارد کسی اخلاق داشته باشد ولی خدا پرست نباشد؟! / رسول خدا(ص) برای اخلاق حداقلی مبعوث نشد، بلکه برای تکمیل اوج مکارم اخلاق آمد و این همان خداپرستی است

- یکی از ضررهای این وضعیت (اصالت دادن به اخلاق و به حاشیه رفتن خداپرستی) این است که برخی خواهند گفت: «چه اشکالی دارد کسی اخلاق داشته باشد ولی خداپرست نباشد؟!». نتیجه این حرف تزریق این حماقت به جامعه بشری است که ارزش مطلق عالم، یعنی خداپرستی، را کنار گذاشته و یا از آن برای رسیدن به ارزشی که در مقایسه با خداپرستی قیمت کمتری دارد (یعنی اخلاق) استفاده می‌کنند.
- متأسفانه امروز اگر کسی در این باره صحبت کند بلافاصله با او برخورد می‌کنند و می‌گویند چرا علیه اخلاق سخن گفتی؟! و بلافاصله این حدیث مشهور از پیامبر گرامی اسلام(ص) را نقل می‌کنند که فرموده‌اند: «من مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق را به اتمام و اکمال برسانم؛ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مستدرک الوسائل/ ج ۱۱/ ص ۱۸۷) در حالی که اولاً پیامبر اکرم(ص) در این روایت شریف از «مکارم» اخلاق سخن می‌گویند نه از اخلاق؛ و مکارم اخلاق یعنی خداپرستی. ثانیاً حضرت فرموده‌اند من برای

مکارم اخلاق آمده‌ام بلکه فرموده‌اند من برای «تکمیل» مکارم اخلاق آمده‌ام، یعنی اوج مکارم اخلاق، و ثالثاً اوج مکارم اخلاقی هم جز با عبودیت به دست نمی‌آید.

پیغمبر می‌خواهد ما را به اوج برساند، اما ما سر خودمان را کلاه می‌گذاریم و دین را به حداقل اخلاق تفسیر می‌کنیم

- پیامبر اکرم(ص) می‌خواهند ما را به اوج اخلاق برسانند ولی ما سر خودمان را کلاه می‌گذاریم و دین را به حداقل اخلاق تفسیر می‌کنیم. درست است که اگر کسی دین داشته باشد ولی حداقل اخلاق را نداشته باشد، باعث می‌شود به آبروی دین لطمه بخورد منتها این دلیل نمی‌شود که دینداری را به داشتن حداقل اخلاق تفسیر کنیم.

اگر اخلاق‌گرایی جای خداپرستی قرار گیرد و خداپرستی کنار برود، این تفاوتی با بت‌پرستی ندارد/ اخلاق هدف ما نیست، خداپرستی هدف است

- شما اگر اخلاق‌گرایی را جای خداپرستی بگذارید و خداپرستی کنار برود، این تفاوتی با بت‌پرستی ندارد. اخلاق با همه خوبی‌هایش وقتی منهای خدا در نظر گرفته شود، هدف ما نیست، بلکه خداپرستی هدف است و ما اخلاق را هم برای تقرب به خدا می‌خواهیم.
- ما با اخلاق مخالفت نداریم، حتی با اخلاق منهای خدا هم مخالفتی نداریم و حسن ذاتی اخلاق را قبول داریم، ولی گاهی اوقات به گونه‌ای از اخلاق سخن گفته می‌شود که خدا به نفع اخلاق کنار برود؛ ما با این مسأله مخالف هستیم. نباید از خدا غافل بشویم و تصور کنیم بدون خدا میتوان زندگی کرد، چه رسد به اینکه بدون خدا بتوانیم یک زندگی اخلاقی داشته باشیم.
- اخلاق بدون خدا یک فریب است چون هیچوقت به اوج نمی‌رسد و فراگیر نخواهد شد و اگر خداپرستی در کار نباشد هیچ ضمانت محکمی برای اخلاقی شدن افراد و جامعه وجود نخواهد داشت.

